

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمس الدین امانتی

۲۵ اگست ۲۰۱۷

«آموزش و پرورش به یک ابرمرد و جنرال نیاز دارد»!

در ادامه مضحکه انتخاباتی و مهندسی کردن آن در جریان انتخابات دور دوم ریاست جمهوری روحانی و رقبای او به منظور حفظ و تحکیم پایه های فرسوده رژیم اسلامی، روز سه شنبه ۲۴ مرداد [اسد] ۱۳۹۶ «روحانی»، طی نامه ای اسامی ۱۷ وزیر پیشنهادی خود را به منظور رسمیت بخشیدن به «صلاحیت» آنها در پست وزارتخانه های مربوط به این افراد را به مجلس رژیم اسلامی فرستاد و به این ترتیب نمایشی دیگر از این سریال مهندسی شده، تحت عنوان «بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت روحانی» تا روز یکشنبه (۲۹ مرداد) ادامه یافت.

نحوه بررسی تک تک وزرای پیشنهادی به ترتیب حروف الفبای وزارتخانه ها انجام گرفت و سپس درمورد هر یک از وزرای پیشنهادی به مجلس، دو نفر از نمایندگان مخالف و دو نفر از نمایندگان موافق هر کدام به مدت ۱۵ دقیقه و پس از آن وزیر و یا حسن روحانی به مدت ۳۰ دقیقه اظهاراتی را بیان داشتند.

در پروسه این «بررسی» تعدادی از نمایندگان مجلس رژیم اسلامی، به منظور فریب افکار عمومی در این مضحکه نیز به مدت ۵ روز در موافقت و «مخالفت» با وزرای پیشنهادی از جانب حسن روحانی، در پروسه اختلافات جناحی بر سر کرسی های بیشتری به جنگ درون حکومتی پرداختند. در آخرین پرده از این نمایش در روز یکشنبه (۲۹ مرداد) نمایندگان مجلس رژیم اسلامی، به ۱۶ نفر از ۱۷ وزیر پیشنهادی روحانی رأی دادند و تنهابه «حبیب الله بی طرف» وزیر پیشنهادی نیرو رأی اعتماد ندادند.

به مودی از این نمایش در پست وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی، قبل از رأی گیری اشاره کوتاهی خواهم کرد.

به گزارش تسنیم، «بطحائی» وزیر پیشنهادی روحانی جهت پست وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی، در اولین روز این بررسی گفت «آموزش و پرورش از ریل اصلی خود خارج و در جاده خاکی افتاده، لذا تغییر ساختار در چنین شرایطی برای آن همچون وصله و پینه ای است که هرچه این قطار را هل دهیم، تنها کمی حرکت می کند اما کسی را هم به مقصد نمی رساند».

به این ترتیب آقای بطحائی نیز به صف رانندگان هم قطاری خود پیوست که از قرار معلوم و بر طبق اظهارات خود او نه این که مجوز رانندگی این قطار درب و داغانی را که قدمت آن به بیش از ۳۸ سال می رسد ندارد، بلکه مضافاً این

قطار (آموزش و پرورش رژیم اسلامی) تغییر ریل داده و وزارت خانه ای به این گستردگی را در جاده ای خاکی سرگردان کرده است؟!!

وای به حال و روز سیزده میلیون و نیم دانش آموز و بیش از یک میلیون معلم، پرسنل اداری، بازنشستگان و میلیونها نفر از والدین دانش آموزان همیشه مضطرب و چشم به راه فرزندان خود و آینده مبهم آنها و سایر مسافران این قطار «خارج شده از ریل» که قرار نیست کسی را هم به مقصد رساند.؟!!

اما در پروسه جنگ زرگری بین جناح ها در این بخش از نمایش، تحت عنوان «بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت روحانی» و اظهارات صریح «بطحائی» در رابطه با این قطار درب و داغان، در موافقت با ایشان «محمد بیرانوندی» عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اسلامی، گفت «همانطور که رئیس جمهور در دفاع از وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش به این نکته اشاره کرد که آقای «بطحائی» بهترین گزینه برای تحول در وزارت آموزش و پرورش است، ما هم به این صحبت رئیس جمهور اعتماد می کنیم و این دستگاه عریض و طویل را به کسی می سپاریم که در این وزارتخانه تحول ایجاد کند.»

اظهارات معامله گرانه این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس رژیم اسلامی و اعطای این وزارتخانه به آقای بطحائی پایانی است بر پرده اول از این نمایش و ریاست ایشان در پست این وزارتخانه، این نوع از بخشش و تعارفات در راستای بده و بستان در معادلات بین جناح های درون حاکمیت به امری عادی و روز مره تبدیل شده است. آقای «بیگلری» نماینده سقز و بانه در مجلس اسلامی، در مخالفت با «بطحائی» وزیر پیشنهادی روحانی، گفت «آموزش و پرورش و وزارت علوم به عنوان وزارتخانه های بنیادی به یک ابرمرد و جنرال نیاز دارند، به نظر من «بطحائی» نمی تواند کشتی شکسته شده آموزش و پرورش را به سرمنزل مقصود برساند.»

از قرار معلوم آقای «بیگلری» یا سنشان کمتر از قدمت عمر رژیم اسلامی است یا این که حافظه ایشان دچار مشکل شده است که جایگاه و عملکرد جنایتکارانه «ابرمرد و جنرال» های سرسپرده به رژیم اسلامی را آگاهانه به فراموشی سپرده است؟! مردم مبارز کردستان نفرت و خاطره تلخی از دارندگان این القاب و عملکرد سرکوبگرانه آنها در کردستان از جمله در شهر سقز و بانه را هنوز به خاطر دارند.

«بیگلری» و امثال ایشان هیچ گاه نماینده واقعی مردم انقلابی و آزادیخواه سقز و بانه نبوده و نیستند. آنان نمایندگان رژیم در میان مردم و پادوهای «جنرالها و ابرمردها» علیه مردم منطقه و کل ایران می باشند برکسی مجلس لم داده و آرزوی حضور جانیان و قاتلان فرزندان مردم به عنوان «ابرمرد و جنرال» رادر مقام وزرای حکومتی را در سر دارند.

«محمد دامادی» در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی و در جریان بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم در تذکری شفاهی، گفت «براساس آئین نامه وزرای پیشنهادی باید در زمان بررسی صلاحیت در صحن علنی حضور داشته باشند، که متأسفانه چنین نشد رئیس جمهور و معاون اول ایشان نیز نه این که از ابتداء تا انتهای جلسه در مجلس حضور نداشتند بلکه متأسفانه در بررسی صلاحیت وزراء برخی از نمایندگان، وقت مخالفان را گرفتند اما به عنوان موافق صحبت کردند.»

اما این که موقعیت اجتماعی میزان سواد و اداره امور توسط وزیر آموزش و پرورش در پست مورد نظر این حضرات «جنرال و ابرمرد» باشد یا آخوند و واعظ تغییری در ساختار و سیاست حاکم بر آموزش و پرورش رژیم اسلامی، نداشته و نخواهد داشت.

سیاست ارتجاعی تفکیک بر مبنای جنسیت در مدارس و مراکز آموزشی، علی رغم مقاومت دانش آموزان و جوانان به امری واقع تبدیل شده است، لازم نیست مجریان این سیاست «جنرال یا ابرمرد» باشند آنها احتیاج به مهره هائی از طیف بسیجی و سر سپرده به خامنه ای در پست وزارت دارند.

از بهمن [دلو] ۱۳۵۷ تا کنون و با احتساب «بطحائی» در دولت دوازدهم ۱۴ نفر در پست وزارت آموزش و پرورش مشکلات عدیده معلمان را عاقدانه و بر طبق اوامر مسؤولین حکومتی حل و فصل نکردند.

طی دوران صدارت این ۱۳ وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی، وضعیت معیشتی معلمان هر روز از روز قبل به مراتب بد و بدتر شده و در آینده نیز خواهد شد، در رابطه با وضعیت بی سر و سامان معلمان در زمینه رتبه بندی مشاغل و عدم پرداخت حقوق و مزایای کارکنان قراردادی و حق التدریسی، عدم تضمین بیمه درمانی، حق مسکن، عدم پرداخت حقوق و مزایای به تعویق افتاده و تا کنون کوچکترین اقدامی صورت نگرفته است. متقابلاً هر گونه حرکت اعتراضی از جانب معلمان مبارز و آزادیخواه به وضع موجود توسط نیروهای امنیتی رژیم اسلامی، سرکوب و رهبران این اعتراضات را دستگیر، زندانی و در مواردی اعدام آنان را به همراه داشته است.

در چنین جو و فضائی زمینه برای آموزش بر مبنای دین و پرورش بر مبنای مذهب در مدارس به اولویت کاری این ۱۳ وزیر در گذشته و چهاردهمین آن در دولت دوازدهم روحانی مهیا خواهد شد و در نتیجه شادی، خنده، تفریح و با هم بودن و در کنار هم نشستن در مدارس، پارک عمومی، میدان ورزشی و ... در زمان صدارت این حضرات جرم محسوب خواهد شد.

به این ترتیب و در چنین جو و فضائی مهم نیست چه کسی با چه پیشینه و سوابقی عهده دار پست وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی خواهد شد، همگی آنها مجری سیاست مشخصی هستند که در امر آموزش با پیشرفت علم و دانش نه تنها سرو کاری ندارند بلکه مانع آن نیز خواهند شد.

قدمت مبارزه برای برون رفت از وضع موجود و تثبیت فرهنگ مترقی و سکولار در همبستگی معلمان آزادیخواه، دانش آموزان مبارز، دانشجویان، جوانان و خانواده های آنان از همان بدو بر سرکار آمدن رژیم اسلامی دال بر عدم پذیرش و مقابله با فرهنگ به غایت ارتجاعی و قرون وسطائی حاکم بر آموزش و پرورش رژیم اسلامی است، این پروسه از همبستگی در اتحاد با مبارزات روزانه کارگران آگاه و برابری طلب جهت به دست آوردن مطالبات خود و جامعه و سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی گذر خواهند کرد.

۳۰ مرداد [اسد] ۱۳۹۶